

اولین سفیر ایرانی در تایلند (سیام)

در بهار امسال پادشاه تایلند و ملکه آن کشور بنا بدعوت شاهنشاه آریامهر و شهبانو فرح بکشور ماتشریف آوردند و روزی چند در این دیار بسر بردند و هم اکنون نیز پادشاه و ملکه کشور ما بدعوت پادشاه تایلند در آنکشور بسر میبرند. شاهنشاه آریامهر در میهمانی کاخ گلستان فرمودند: «برای شهبانو و من مایه کمال خوشوقتی است که مقدم آن اعلیحضرت و علیا حضرت ملکه را بکشور خویش شادباش بگوئیم. شما به سمت عالیقدرترین شخصیت یک کشور باستانی به کشور باستانی دیگر قدم نهاده اید که از دیرباز به مملکت و ملت شما با علاقمندی نگریسته و نسبت بتمدن و فرهنگ آن احترامی عمیق احساس کرده است بدین جهت ما حضور اعلیحضرتین را در جمع خود بقال نیک میگیریم و آنرا سرآغاز فصلی تازه و ثمربخش در روابط کشور خویش می شماریم.

اگرچه روابط دیرینه اشاره میکنم برای اینستکه ارتباط دو کشور ما هرچند که مدتی دچار فترت بوده ریشه و سابقه ای تاریخی دارد که از آشنائی ممتدی حکایت می کند.

بسیاری از دریا نوردان ما در قرون گذشته در راه بازرگانی با خاور دور در بنا در کشور شما اقامت گزیده اند و در قرن هفدهم میلادی هیئت های نمایندگی سیاسی بزرگی میان دو مملکت سیام و ایران ردو بدل شده اند که سفرنامه کامل هیئت نمایندگی ایران در سیام

برای ما باقی مانده است، شاید تذکر این نکته جالب باشد که بنا به مندرجات این سفرنامه در آن موقع ایرانیهای بسیاری در تایلند اقامت داشته اند، اینک با مسافرت آن اعلیحضرت و علیا حضرت ملکه بکشور ما در واقع دورانی تازه در این رابطه کهن آغاز میشود که بیشک از نظر هر دو کشور ما سود بخش خواهد بود زیرا دو مملکت باستانی ما اکنون کوشش دامنه داری را در راه پیشرفت مادی و معنوی خود آغاز کرده اند که آنها را طبعاً بهم نزدیک میکنند...

سفرنامه هیئت نمایندگی ایران به سیام که شاهنشاه آریا مهر بدان اشاره فرموده اند بنام سفینه سلیمانی موسوم است و بسال ۱۰۹۶ هجری قمری «... در زمان سلطنت معدلت توأمان و فرمانفرمای صاحبقران جهان، مههد بساط امن و امان، خسرو گیتی ستان و ایام خجسته فرجام، اسکندر ثانی، واضع اساس جهانبانی، حامی قوانین ملک و ملت فص خاتم عدالت، ماحی قواعد ظلم و بدعت بانی بنیان سلطنت دو جهانی، خاتم دولت سلیمانی، ضامن ودایع آمال و امانی، خدایگان عرضه عالم، خاقان اکبر اعظم، آفتاب اوج و رفعا مکاناً علیا، بدر عالیقدر برج و لقد اصطفینا، تاج بخش سلاطین کامکار تخت نشان خواقین عالممقدار، شهسوار عرضه خاک، فارس یکران کره افلاک.

نظم:

شهنشاهی که خاقان تابه فغفور
زمین درگهش بوسند از دور
اعلیحضرت خدیوزمان، تاج بخش کشورستان، ظل الله الملك
السجان المنان، السلطان بن السلطان، الخاقان بن الخاقان المؤید بتأیید

السبحان ، ابوالمظفر ابوالمصور شاه سلیمان الصفوی الموسوی
الحسینی بهادر خان خلدالله ظلال مراحمه واحسانه الى يوم الميزان...»
و توسط محمد ربیع ابن محمد ابراهیم نوشته شده است .

محمد ربیع به همراه اولین سفیر ایرانی محمد حسین بیک به سیام
رفته و شرح این مسافرت پر خوف و خطر و جالب خود را در کتاب
سفینه سلیمانی به تحریر در آورده است. قبل از آنکه این هیئت ایرانی به
سیام رود ایرانیان زیادی در آن کشور بکار اشتغال داشته اند و صاحب
مناصب و مشاغل عالی در دربار سیام بوده اند و بخصوص آقامحمد نامی
از مردم استرآباد ایامی چند مقام صدارت در سیام داشته و دایم کوشش
میکرده است که با دربار صفوی و مردم کشور خود تماس داشته باشد و
بین دو کشور ایجاد رابطه بنماید .

وی چندبار هیتهائی با تحفه و هدایا بایران گسیل داشته که اغلب
گرفتار حوادث دریا شده اند و به مقصد نرسیده اند تا اینکه درایت ائیل
۱۰۹۳ هجری قمری حاجی سلیم مازندرانی با تحفی که او را مقدور
و میسور بوده باستان فلك آشیان مأمور میشود و با جمعی از قورچیان و
غلامان و توبچیان و تفنگچیان بجهت تقدیم خدمات نا مزد میگردد. وی
بدربار ایران میآید و هدایا را تقدیم میدارد و عرض مراتب خلوص و و داد
می کند و تقاضای برقراری رابطه و مبارله سفیر و هیئتهای حسن نیت مینماید.
این تقاضا مقبول می افتد و بر اثر آن محمد حسین بیک غلام سرکار خاصه
شریفه بخدمت رسالت سرافراز و با اتفاق جمعی بجهت تقدیم خدمات مأمور
میشود و در واقع بعنوان اولین سفیر ایرانی با هیئتی بدربار سیام
اعزام میگردد .

این هیئت در تاریخ ۲۵ رجب سنه ۱۰۹۶ بعد از آنکه بسبب بعضی
تعویقات و از جمله فرا نرسیدن ساعت میمون و مبارک تا ششماه در

بندرعباس توقف میکند عازم کشور سیام میشود و پس از مشقت زیاد و زحمت فراوان و ماهها سرگردانی در دریا عاقبت به سیام میرسد.

محمد حسین بیک در ۱۲ محرم ۱۰۹۷ بعلت کسالت بدیاریستی رهسپاروتنی چند از همراهان اونیزدریی اومی شتابند و بقیه سلامت بشهر ناوکه پایتخت کشور سیام در آن ایام بوده است وارد میشوند و استقبال فراوان از آنان بعمل میآید .

بر اثر فوت محمد حسین بیک ، ابراهیم بیک غلام سرکار خاصه شریفه مأمور تقدیم نامه وهدایا به پادشاه سیام میشود و با هیئتی مرکب ازدونفر قورچی و دو غلام و یک تفنگچی و توپچی و وقایع نگار بدربار بار میابد و هدایا را تقدیم میدارد و پس از اینکه قریب دو سال در آندیار به سیروسیاحت و گشت و گذار میگذرانند در ۲۲ صفر ۱۰۹۸ با هدایای بسیار از جمله چند رأس فیل بایران بازگشت مینماید .

گزارش و شرح این سفر پر خوف و خطر توسط محمد ابراهیم محمد ربیع ، وقایع نگار هیئت ، در کتاب «سفینه سلیمانی» نوشته شده است و ما برای اولین بار در شماره بعد قسمتهائی از آنرا در مجله وحید نقل می کنیم .

این سفر نامه با خطی زیبا به قطع متوسط نوشته شده و در حال حاضر دو نسخه از آن سراغ داریم . یکی در کتابخانه موزه بریتانیا و دیگری در کتابخانه ملی ملک .

نسخه موزه بریتانیا کامل و محتوی سیصد و اندی صفحه است (هر صفحه ۱۶ سطر) و از نسخه کتابخانه ملی ملک کاملتر و جامعتر است. از نسخه منحصر بفرد موزه بریتانیا اینجانب میکروفیلمی تهیه کرده ام که امیدوارم ضمن نقل قسمتهائی از آن در مجله ، توفیق چاپ کتاب نیز بصورت جداگانه نصیب گردد .

وحید نیا